



جزوه فلسفه یازدهم

درسنامه و سوالات تست فلسفه یازدهم

طاهره بوسعید - مشهد مقدس

درس اول «چیستی فلسفه»

درسنامه

در درس اول در باره ۱- پرسش های فلسفی و تفاوت آن با پرسش های روزمره و عادی، ۲- تفکر فلسفی و ۳- دانش فلسفه بحث می شود.

در ابتدا جای طرح این سوال است که : تفاوت پرسش های فلسفی با سایر پرسش ها چیست؟

برای پاسخ به این سوال باید گفت:

(آنچه در تشخیص پرسش های فلسفی از غیر فلسفی باید بدانید و در سوالات تست در نظر داشته باشید)

۱- این پرسش ها یا سوال های خاص، گاه و بی گاه برای انسان مطرح می شود

۲- «می توانند» ساعاتی طولانی ما را به خود مشغول کند و به تفکر وا دارد

۳- اغلب مردم این افکار و سوالات را در میان انبوه افکار و اعمال خود گم می کنند

۴- بسیاری از آدمیان از کنار سوالات اساسی زندگی بی توجه می گذرند و به آن نمی اندیشند

۵- نحوه مواجهه با پرسش های فلسفی، رفتار، گفتار و زندگی انسان را شکل می دهد

۶- گاهی انسان ها بعد از اندکی تفکر در باره سوال های ویژه به امور دیگری می اندیشند

۷- «ظاهراً» در زندگی عادی نیازی به طرح پرسش های فلسفی نیست

۸- اندیشیدن در باره سوالات فلسفی ، در زندگی انسان ضرورتی عام و همگانی است

نمونه هایی از سوالات فلسفی

- ۱- مقصود ما از آزادی چیست؟ ۲- از برابری چه منظوری داریم ۳- آیا اصولاً میتوان آزادی را با برابری جمع کرد؟ ۴- چرا درد و رنج هست؟ ۵- خوشبختی و سعادت در گرو چیست؟ ۶- سر انجام ما انسان ها چه می شود؟ ۷- آغاز و انجام جهان چگونه است؟ ۸- اصولاً انسان و حقیقت انسانی چیست؟ ۹- آیا انسان مختار است یا مجبور؟ ۱۰- چه هدفی را باید در دنیا دنبال کرد؟ ۱۱- آیا تنها جهان موجود، همین جهان طبیعی و مادی است؟ ۱۲- آیا می توانیم به اختیار خود موجود شویم؟ ۱۳- آیا زیبایی حقیقت دارد یا ساخته ذهن ماست؟ ۱۴- چرا هر معلولی به علت نیاز دارد؟ ۱۵- ما در چگونه جهانی زندگی می کنیم؟

نمونه هایی از سوالات غیر فلسفی

- ۱- به کدام دانشگاه بروم؟ ۲- برای موفقیت در آزمون چه کتابی را مطالعه کنم؟ ۳- برای امرار معاش کدام شغل را انتخاب کنم؟ ۴- چه شهری را برای سفر انتخاب کنم ۵- آب در چه درجه حرارتی می جوشد؟ ۶- چگونه می توان درد را در انسان کاهش داد؟ ۷- ماده دارای چه خواصی است؟ ۸- پیر شدن انسان تحت تأثیر کدام عوامل است؟

دانش آموزان عزیز در این دو نمونه از سوالات، چه تفاوت هایی به ذهنتان می رسد؟ (یادداشت کنید)

● پرسشگری و کنجکاوی از ویژگی های انسان است که از همان کودکی با کلمه «چرا» ظهور می کند.

در واقع هر سوالی که مطرح می شود، گویای آن است که ما مطلبی را نمی دانیم (مجهولات) و به دنبال پاسخ آن هستیم. انسان با تفکر به دنبال یافتن پاسخ سوالات خود است.

پس تفکر: واسطه رسیدن انسان از «مجهولات» به «معلومات» و از «پرسش ها» به «پاسخ ها» است.

تفکر قدرتی است خدادادی که با آن پاسخ سوال ها را می یابیم و امور روزانه خود را سامان می دهیم.

تفکر دارای دو مرتبه است:

- ۱- تفکر غیر فلسفی
- ۲- تفکر فلسفی

سوال؟ تفکر غیر فلسفی چگونه تفکری است؟

پاسخ: تا زمانی که انسان با سوال های معمولی و روزانه روبه روست و به دنبال پاسخ آن هاست، در مرحله اول تفکر قرار دارد که تفکر غیر فلسفی است؛ مراحل این تفکر به ترتیب زیر است:

- ۱- روبرو شدن با مسئله ← ۲- طرح سوال ← ۳- تفکر در اندوخته ها ← ۴- رسیدن به پاسخ

تذکر: دانش آموزان عزیز در یادگیری مراحل تفکر، رعایت ترتیب الزامی است و از سوالات مهم این درس در آزمون های تستی و تشریحی «ترتیب درست» این مراحل است.

سوال؟ تفکر فلسفی چگونه تفکری است؟

پاسخ: اگر انسان از مرحله تفکر غیر فلسفی عبور کند و با «جدیت» و «پیوسته» به سوالات بنیادین و خاص بپردازد، وارد مرتبه دوم تفکر شده که می توان آن را «تفکر فلسفی» نامید.

مراحل تفکر فلسفی با تفکر غیر فلسفی یکی است اما موضوع تفکر متفاوت است بنابراین می توان مراحل تفکر فلسفی را به ترتیب زیر بیان کرد:

۱- روبرو شدن با مجهول ها و مسئله های فلسفی ← ۲- طرح پرسش های فلسفی ← ۳- رجوع به معلومات و تفکر در اندوخته ها و انتخاب معلومات مناسب با سوال ← ۴- رسیدن به دریافت فلسفی و تحقق شناخت و معرفت

توجه: منظور از دریافت فلسفی در مرحله آخر این است که انسان با دلیل عقیده ای را بپذیرد و با دلیل از آن دفاع کند. (ارائه استدلال صحیح)

سوال؟ منظور ملا صدرا از فطرت اول و فطرت ثانی چیست؟

پاسخ: ملا صدرا فیلسوف بزرگ اسلامی تفکر غیر فلسفی را مربوط به فطرت اول می داند که مشغول بودن به امور عادی زندگی و تفکر در آن هاست. وی ورود به پرسش های فلسفی و اساسی و تفکر در باره آن ها را مربوط به فطرت ثانی (فطرت دوم) می داند؛ ملا صدرا ماندن در فطرت اول را شایسته انسان ها نمی داند.

پس: تفکر دو قلمرو دارد: تفکر در حوزه فطرت اول و تفکر در حوزه فطرت ثانی

نکته مهم: کسی که به تفکر فلسفی رسید، از تفکر در حوزه فطرت اول بی نیاز نمی شود.

سوال؟ ملا صدرا انسان ها را به دو دسته «سائر» و «واقف» تقسیم می کند، ویژگی های این دو دسته چیست؟

پاسخ:

ویژگی های واقف: ۱- به دانش ظاهری دل خوش کرده و متوقف شده است

۲- دروازه جهان بزرگ و برتر به رویش گشوده نشده است

۳- فقط از شنیده ها بهره می برد و کارش تقلید از دیگران است

ویژگی های سائر: ۱- اهل حرکت و پویایی است

۲- به شنیده ها بسنده نمی کند

۳- در تلاش است تا از تنگنای ظواهر و محسوسات عبور کند و به جهان وسیع معقولات راه یابد (اهل تفکر فلسفی)

۴- او همواره در تکاپو است

ساحل افتاده گفت گر چه بسی زیستم هیچ نه معلوم شد، آه که من کیستم

شعر بالا وصف حال واقف است

موج ز خود رفته ای تیز خرامید و گفت هستم اگر می روم، گر نروم نیستم

شعر بالا وصف حال سائر است

دانش فلسفه:

آموختیم که انسان با عبور از سوالات غیر فلسفی به سوالات بنیادین و فلسفی می رسد اما « بدون در دست داشتن پاسخ درست و قانع کننده برای آن ها تصمیم گیری های انسان به نتیجه و سر انجام روشنی نخواهد رسید.»

حال دقت کنید:

تلاش بشر برای پاسخ قانونمند به این سوالات موجب ظهور دانشی به نام «فلسفه» شده است.

به عبارت دیگر:

دانش فلسفه عهده دار بررسی قانونمند این قبیل سوال هاست.

درک اهمیت این گونه سوالات به آغازین روزهای حیات فکری انسان باز می گردد.

سوال؟ معنای اصلی (اولیه) و معنای رایج اصطلاحات زیر را بنویسید. (فلسفه- سوفیست- فیلسوفوس)

| کلمه | معنای اولیه | معنای رایج |
|----------------------|-----------------|------------|
| فلسفه | دوستداری دانایی | دانش |
| سوفیست | دانشمند | مغالطه کار |
| فیلسوفوس (فیلسوف) | دوستدار دانایی | دانشمند |

کلمه فلسفه ریشه یونانی دارد و عربی شده کلمه «فیلسوفیا» است.

فیلسوفیا مرکب از دو کلمه «فیلسوف» به معنای دوستداری و «سوفیا» به معنای دانایی است - دوستداری دانایی

در ابتدا فلسفه به معنای دانش خاص نبود و شامل تمام دانش ها می شد (رجوع شود به پاورقی صفحه ۸)

کلمه فیلسوف در معنای اولیه خود ، دوستدار دانایی است؛ کسی که این واژه را سر زبان ها انداخت سقراط بود.

نکته: شاید اولین پار فیثاغورس که در حدود ۵۸۳ تا ۵۰۰ قبل از میلاد می زیست، این لفظ را به کار برده باشد ، اما از زمان سقراط این لفظ بیشتر مورد استفاده قرار گرفت.

سوال؟ با وجودی که معنای اولیه سوفیست دانشمند بود، چرا سقراط خود را فیلسوف خواند و نخواست که سوفیست خوانده شود؟

قبل از پاسخ به این سوال ابتدا باید دید که سوفیست ها چه کسانی بودند، اطلاع از ماهیت این گروه ما را به پاسخ قانع کننده تر خواهد رساند.

در توضیح باید گفت : سوفیست ها بیشتر به تعلیم سخنوری و وکالت اشتغال داشتند ، اما دغدغه آن ها بیان واقع و دفاع از حقیقت نبود؛

خب پس هدف این گروه چه بود؟

پاسخ: این گروه پیروزی بر حریف را مهم ترین هدف می دانستند و برای رسیدن به این هدف در استدلال های خود بیشتر از مغالطه کمک می گرفتند .

سوال مغالطه چیست؟

پاسخ: استدلال ها بی که به ظاهر درست اما در واقع غلط بود (شبه استدلال)

سوال مغالطه های سوفسطائیان منجر به چه اعتقادی در آن ها نسبت به «حقیقت» شد؟ (عقیده سوفسطائیان در باره حقیقت)

پاسخ: این رویه به تدریج سبب شد که این گروه از دانشمندان برای حقیقت و واقعیت ارزش و اعتباری قائل نباشند و بگویند: « هر کس هر چه خودش می فهمد، همان حقیقت و واقعیت است» .

سوفسطائیان معیار و ملاک حقیقت را ادراک انسان قرار داده و حقیقت را امری نسبی می دانستند

سوال؟ رفتار سوفسطائیان به مرور باعث چه تحول معنایی در واژه سوفیست شد؟

پاسخ: بعد ها کلمه سوفیست (دانشمند) مفهوم اصلی خود را از دست داد و مفهوم مغالطه کار به خود گرفت.

سوال؟ کلمه سفسطه در زبان عربی از چه کلمه گرفته شده و به چه معنایی است؟

پاسخ: از لفظ «سوفیست» و به معنای مغالطه کاری است.

حال باز گردیم به سوالی که پیش از این مطرح شده بود: « چرا سقراط دوست نداشت «سوفیست» نامیده شود و از این رو خود را چه می نامید؟»

پاسخ: این سوال دو پاسخ دارد یک پاسخ قطعی و یک پاسخ احتمالی؛

پاسخ قطعی— به دلیل تواضع و فروتنی (در برابر دانایی و علم)

پاسخ احتمالی— شاید به خاطر هم ردیف نشدن با سوفیست (انسان های مغالطه کار)

از این رو خود را (فیلسوف) یعنی دوستدار دانش نامید.

سوال؟ تحولات معنایی «فلسفه» را به ترتیب بنویسید.

فلسفه به معنای دوستدار دانایی— فلسفه به معنای مطلق دانش— فلسفه به معنای دانش خاص

ویژگی های فلسفه:

سوال؟ چه ویژگی هایی دانش فلسفه را از سایر دانش ها جدا می کند؟

پاسخ: اساساً هر دانشی از دو جهت از سایر دانش ها متمایز و جدا می شود:

۱- از جهت موضوعی که آن دانش در باره آن بحث می کند

۲- از جهت روشی که در آن دانش مورد استفاده قرار می گیرد

حال باید پرسید موضوع فلسفه چیست؟

برای روشن شدن پاسخ ، به سوالات زیر دقت کنید و ببینید آیا برخی از آن ها تفاوت خاصی با بقیه دارد

۱- دلیل پیدایش انقلاب صنعتی در اروپا چه بود؟

۲- آیا تنها جهان موجود، همین جهان مادی و طبیعی است؟

۳- خداوند چند رکعت نماز را بر ما واجب کرده است؟

۴- دلیل حمله اسکندر مقدونی به ایران چه بود؟

۵- آیا هر چیزی دارای علت است؟

۶- آیا زیبایی وجود دارد یا ساخته ذهن است؟

۷- پیر شدن سلول ها اثر کدام عامل شیمیایی است؟

۸- آیا پدیده ها می توانند به اختیار خود موجود شوند؟

۹- مجموعه زوایای مثلث چند درجه است؟

۱۰- چرا هوا معمولاً در زمستان سرد است؟

۱۱- آیا جهان ابتدا و پایانی دارد؟

سوال؟ به نظر شما چه تفاوتی بین سوال های شماره ۲- ۵- ۸ و ۱۱ با سایر سوال هاست؟ موضوع این سوالات چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟ آیا نحوه پاسخ به این سوالات با بقیه یکسان است؟

اکنون زمان پاسخ به سوال کلی مطرح شده رسید که ، «چه تفاوتی بین فلسفه با سایر دانش هاست؟»

پاسخ:

۱- از جهت موضوع متفاوت هست؛ موضوع فلسفه «بنیادی ترین» و «نهایی ترین» موضوعات است

فلسفه در باره بنیادی ترین و نهایی ترین موضوعات جهان و انسان است و پاسخ گوی عمیق ترین دغدغه های بشری است.

سوال؟ منظور از بنیادی ترین موضوعات چیست؟

پاسخ: این است که فیلسوف در اصل وجود و حقیقت جهان ، طبیعت و انسان کاوش می کند و اینها اموری هستند که پایه و اساس سایر علوم اند.

۲- از جهت روش متفاوت است؛ فلسفه از روش عقلی و قیاسی استفاده می کند (با توجه به موضوع)

زیرا مسائل فلسفی که به اصل و اساس جهان و انسان مربوط هستند، نمی توان از حواس یا آزمایش بهره برد و یا از ابزارهای مانند میکروسکوپ و تلسکوپ کمک گرفت در این موارد باید به «توانایی عقل و استدلال های عقلی» تکیه کرد.

سوال؟ فلسفه چگونه و به چه روشی به کشف مجهول نزدیک می شود؟

پاسخ: با تکیه بر عقل و استدلال های عقلی و با تفکر و تعقل و تجزیه و تحلیل دانسته ها

سوال؟ مسائل فلسفی به لحاظ روش، مانند مسائل چه علمی است؟

پاسخ: مسائل ریاضی، که فقط با عملیات فکری و استدلالی باید به جواب مسئله ها دست یافت.

سوال فنی؟ 😊

کدام یک از افراد زیر بیشتر اهل تفکر فلسفی است و گزینه درست بیشتر ناظر بر کدام مرحله از مراحل تفکر فلسفی می باشد؟

الف- کسی که پاسخ فیلسوفان در ارتباط با سوالات اساسی را به خوبی آموخته و توضیح می دهد.

ب- کسی که در آرای فیلسوفان می اندیشد و دلایلی را که به نظرش محکم است، انتخاب و ارائه می کند.

پاسخ درست: گزینه ب و اشاره به مرحله آخر تفکر فلسفی دارد یعنی رسیدن به دریافت فلسفی

سوال؟ برای درست فکر کردن و قرار گرفتن در مسیر درست تفکر چه گام هایی باید برداشت؟

پاسخ : به ترتیب ۱- آگاهی از مجهولات و ندانسته های خود

۲- جستجوی پاسخ برای سوالات

۳- ارائه استدلال صحیح

۴- داشتن معیار برای پذیرش پاسخ

سوال؟ رابطه تفکر با تفکر فلسفی چیست؟

پاسخ : عموم و خصوص مطلق

